



سند به نام حسین (ع) باشد.
اما آنچه موجب اهمیت خاص این سند می شود آن است که وقف کنندگان
دو بانو از قبیله قاجار از سلاله فتحعلی خان قاجار خوانلو باشند.

یک وقف نامه تاریخی

دکتر عبدالحسین نوایی

سندی که ذیلاً تقدیم اهل تحقیق می گردد، در بادی امر چندان مهم و غیر عادی به نظر نمی رسد زیرا مربوط به وقف چند ده است در استرآباد به منظور خرج و مصرف حواله در عزاداری سیدالشهدا، حسین بن علی (ع) و وقف نژادان و میامن اسلام است و پایگاه استوار و محکمی برای توزیع ثروت به صورتی عادلانه در جامعه اسلامی. زیرا وقف جسی موضوع است و خرج محصول برای مقصودی، والا که مورد نظر واقف است و تمهیدی است بسیار عاقلانه و متین برای حفظ سرمایه و استمرار اثرات خیر آن در جامعه. بدین معنی که مال وقف یا موقوفه، مصون از هر گونه تعرض دستگاه حکومت یا ابدی متغذ است و مال الاجاره یا محصول آن که هر ساله و مستمر است در ادای حقوق صاحبان اهل استحقاق و این امر موجب شده بود که در زمان قاجاریه، بسیاری از امرا و وزرا که پولی از حلال و حرام گرد آورده بودند، از بیم آن که مبادا شاه قاجار یا درباریان وی، چه در حیات چه در مسات، آن ملک و مال را به مصادره یا مطالبه ببرند، آن و اصراف کار خیر بخصوص وقف می کردند که هم آثار خیر آن استمرار داشته باشد هم نام واقف فراموش نشود و از زیباییها و برتری زن یا مرد شیعه دوازده امامی که جان و دنش با مهر آل نبوت حفظ و صیقل پذیرند، حسین بن علی عجین شده چه بهتر از این که این وقف به نام حسین (ع) باشد.

اما آنچه موجب اهمیت خاص این سند می شود آن است که وقف کنندگان دو بانو از قبیله قاجار از سلاله فتحعلی خان قاجار خوانلو باشند.

فتحعلی خان همان سردار قاجار است که شاه طهماسب دوم صفوی را تاشهد همراهی کرد تا اینکه شهر را به نام شاه صفوی، راز ملک محمود سیستانی بگیرد ولی نادر افشار - که او نیز شاه را در این سفر همراهی می کرد - به دسایس مختلف فتحعلی خان را در محل خواجه ربیع به هلاکت رساند تا خود همه کاره باشد. پسر این فتحعلی خان همان محمدحسین خان قاجار است که در جنگ با سپاه کریم خان کشته شد و دو تن از فرزندانش به گروگان به شیراز انتقال یافتند یعنی آقامحمدخان و برادرش حسینقلی خان و فرزندان دیگرش در فزوین شهر بند بودند. می دانیم که خواهر محمدحسین خان همسر کریم خان بود و به توسط او بود که آقامحمدخان از وقایع اندرون زندیه من جمله مرگ کریم خان باخبر شد و با مقدماتی که تهیه دیده بود بسرعت از شیراز دور شد. نام دو دختر فتحعلی خان که در این سند آمده یکی شهربانو خانم اشهر به حاجیه بی بی خانم است و دیگری بیگم جانی خانم یا عنوان «مهر حومه» که نشان می دهد پیش از عقد وقف در گذشته بود.

از این شرح بر می آید که شهربانو خانم هم خانه خود را از زیارت کرده هم فزوین را به اهلش را و ظاهر آن عینیات عالیات به مکه و مدینه رفته یا بالعکس. آنچه مهم است این که وی دوازده امام و چهارده معصوم را زیارت نموده و شاید بتوان حدس زد که بیگم جان خانم نیز در این سفرهای مقدس همراه خواهر خود بوده و در فلی راه، در گذشته و خواهر متقی و شهربان وی، شهربانو خانم بی آن که خواسته باشد از وی از خواهر برود - سهم الارث وی و سهم الارث خود را کلاً وقف «خرج تجزیه و سوخت مرقد مطهر نور حضرت امیر المومنین علی بن ابی طالب و امام حسین علیهما السلام» نموده است.

اما آنچه نمی توان به قاطعیت حدس زد، این که آیا همسر کریم خان یکی از این دو خواهر بوده یا دختر دیگری. از فتحعلی خان قاجار بوده. در این که با مرگ کریم خان و پیشامدهای بعدی یعنی سرکشی آقامحمدخان و فرار او به استرآباد، زعامت وی بر اهل قاجاریه و درگیری شدید او با زندیه به عنوان مدعی سلطنت دیگر آن بانوی قاجار جانی در اندرون زندیه تدانسته و مسلماً بیوه کریم خان به عجله خود را از آن مهلکه بیرون کشیده، خاصه آن که مسلماً همه فهمیده بودند که وی در فرار برادرزاده خود دست داشته تردیدی نیست. این سند را دکتر ابوالحسن شهسوارى دوست عزیز و دانشجوی پیشین من در اختیار من گذاشته اند و من اینجا سعی می کنم از ایشان تشکر می کنم. هر کجا هست خدا پایا به سلامت دارش.

سند به ابعاد ۲۵ × ۲۹/۵ سانتیمتر است که در صدر آن، عبارات طیبه بسم الله الرحمن الرحیم، ذکر شده و مقداری فاصله بین بسم الله الرحمن الرحیم و متن وقفنامه منظور شده که مسلماً جای استشهاد بوده و علما و سادات عظام در آن قسمت اظهارات خود را در ادال بر مطابقت سند با اصل مهر کرده اند به طوری که تنها یک شهادت و یک مهر در قسمت پایین سند در دایره حاشیه سمت راست آمده.

تاریخ عقد فرار وقف در ذیل سند ۱۲۰۸ آمده است. در این سال، هنوز آقامحمدخان کاملاً بر امور کشور تسلط راخی نیافته بود چنان که ناچگذاری ثانوی وی در سال ۱۲۱۰ ه. ق. صورت گرفته و همین تاریخ را می توان آغاز سلطنت قاجارها دانست. ما نمی دانیم که تهیه سواد مصدقی از این وقفنامه در ۱۲۱۷ ه. ق. یعنی تقریباً هشتاد سال بعد از تحریر سند برای چه منظوری بوده و چه کسی تقاضای چنین سوادى نموده است. در هر حال این سند با خطی خوش تحریر شده ولی اغلاطی هم در آن دیده می شود چنان که جمعهای عربی صلوات را به صورت صلوا و رقبات را رقباه نوشته است و اینک متن

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الواقف على الفسائر، المطمع على السراير والصلوة وسلامه على سيدنا اكابر محمد وآله فضل القبائل والعشائر وبعدهم
والصلوة بناير مضنون صدق مشحون حديث نبوی صلوات الله وسلامه عليه وآله اجمعين الطيبين الظاهرين المعصومين وخير خير
اثر حبس الاصل وسبل الثمره وقف مزبور وحبس مغلط نمود حسب الله وطلب المرصاته در عين صحت نفس و نبات عقل و جواز تصرف
عليا جناب خدات مآب خورشيد اجتماع، قمر نقاب بلقيس قباب، قاطعه الزمانی، خديجه الدورانی، زانر بيت الله الحرام والاثمه عليهم
السلام شهر بانو خاتم الشهير به حاجبه بی بی دامت خدات نها بنت الرحوم المنفور المبرور عاليجاه رفيع جایگاه مالک رقاب فتحعلی خان
قوانلوی قاجار همگی و تمامی املاک و رقبات خود حسب الارث از والد ماجد معظم اليه مخلف و انتقال شرعی به واقفه سرفقه و
مرحمت و غفران پناه بیگم جانی خانم، همشیره معظمه او یافته وقف صحیح شرعی کرد و تصدق نمود حصه و رسدی خود و همشیره
خود که حسب الارث، انتقال شرعی به واقفه سرفقه یافته بر طیب دار الشفاى دين مبین، حضرت امير المومنين على بن ابی طالب صلوات
الله وسلامه عليه و مهر سپهر سعادت و لاله بوستان شهادت، حضرت ابی عبدالله الحسین الشهد صلوات الله وسلامه عليه و تولیت آن
راه عالیجناب مقدس القاب سيد مفیدین سيد احمد الموسوی الاسترآبادی مفروض داشته و بعد فوته بر اصلح و اتقاي اولاد سيد احمد
مزبور و موازی و مفداز پنج خروار شالی به وزن استرآباد حتى التولیه قرار داده و منولی شرعی باید همه سانه حاصل و منافع اعیان موقوفه
را بعد از اخراجات ملكی و عوارضات دیوانی جمع آوری نموده فروخته وجه نقد نموده به شخص امین متدین داده، به عتبات عالیات
عرش درجات فرستاده که خرج تعزیه و موخت مرقد مطهر منور حضرت امیر المومنین علی بن ابی طالب و امام حسین علیهما السلام
نمایند و هرگاه به جهت هوائی و سوانحات ایام نافر جام فرستادن وجه به عتبات عالیات متعذر باشد منولی مختار است که در استرآباد در
تکایا که تعزیه سيد الشهدا علیه السلام را نمی گیرند خرج و صرف نمایند و تفصیل املاک و رقبات، بدین موجب است:

تمامی بزمیه واقعه در محال فندرسک من بلوکات استرآباد آنچه حصه و رسد والد ماجد واقفه مزبوره است دو دختر حصه و رسد
واقفه و همشیره مرحومه او می شود که وقف صحیح شرعی نمود.
تمامی نامشلو واقعه در محل مزبوره آنچه حصه و رسد والد ماجد واقفه مزبوره است، دو دختر حصه و رسد واقفه و همشیره مرحومه
او می شود که وقف صحیح شرعی نموده تمامی مشاله کرد من محال مزبور آنچه حصه و رسد والد ماجد واقفه مزبوره است دو دختر حصه
و رسد واقفه و همشیره مرحومه او می شود که وقف صحیح شرعی نمود.
تمامی چهارده از اراضی و تلال و جبال عامره و عامره آنچه حصه و رسد والد ماجد واقفه مزبوره است دو دختر حصه و رسد واقفه
همشیره مرحومه او می شود که وقف صحیح شرعی نمود.
تمامی آستانه من محال دامغان آنچه حصه و رسد مرحوم والد واقفه می شود و دو دختر حصه و رسد واقفه و همشیره مرحومه
او می شود که وقف صحیح شرعی نمود.
تمامی کرد محله من بلوک سدن رستاق، آنچه حصه و رسد والد ماجد واقفه مزبوره است دو دختر که رسد و حصه واقفه و همشیره
مرحومه او می شود که وقف نمود.
وقفا صحیحاً شرعاً بحیث لا یباع و لا یوهب و لا یرهن و تفسیر دهنده وقف مزبور و تخصیص کننده آن، به لعنت خدا و رسول گرفتار شود
و منقطع النسل گردد و صیغه وقف صحیح شرعی کما هو فی قانون الشریعة المطهره جاری و واقع گردید و کان ذلك فی شهر رمضان المبارک
سنه ۱۲۰۸.

بالای سند چند مهر است از علما و بزرگان محل و همراه با تائید تطابق و تقابل سواد سند با اصل سند بدین گونه:

۱. السواد مطابق الاصل و الاصل مهور یا مهار السادات العظام الفخام نمقه الجانی مهر چهار گوش بزرگ عبده الراجی عبدالکریم الحسینی و مهر بیضی کوچکتر عبده الراجی محمد صالح الموسوی
۲. سواد مطابق الاصل المهور بمهر جمع من السادات العظام الفخام الکرام نمقه الجانی مهر بیضی: عبده الراجی رحوم الحسینی
۳. السواد مطابق الاصل الاصل المعتبر نمقه الجانی. مهر بیضی: عبده الراجی تقی

السواد مطابق الاصل المهور بمهر جمع من العظام الفخام الکرام نمقه الجانی الاثم مهر بیضی عبده الراجی علی اصغر
السواد مطابق الاصل و الاصل مهوره یا مهار السادات العظام الفخام نمقه الجانی المتوکل علی عبده الاثم عبدالله الموسوی
السواد مطابق الاصل الاصل المعتبر نمقه الجانی مهر کوچک بیضی عبده الحسین الموسوی
بسم الله تعالی شانه
قد قابلت السواد مع اصله الاصل المعتبر المهور بمهر جمع من اعظام السادات واجلائهم فوجد مع اصله سینان حرره الاقل مهر مربع
عبده زین العابدین

